

## سنجش تطبیقی ظرفیت‌های همکاری پلیسی ایران و عربستان در پرتو تحولات جدید روابط دوجانبه مصطفی مقدم<sup>۱</sup> فخرالدین ابوتیبه<sup>۲</sup> غلامحسین بیابانی<sup>۳</sup> احمدرضا بهنیاافر<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۳. استادیار گروه کشف جرایم، واحد تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

### چکیده:

تحولات اخیر در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، به‌ویژه پس از از سرگیری روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳، زمینه‌ای تازه برای بازاندیشی در سازوکارهای همکاری امنیتی و انتظامی میان دو کشور فراهم آورده است. در این میان، «دیپلماسی پلیسی» به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین مدیریت تهدیدات فراملی، می‌تواند نقشی مؤثر در توسعه همکاری‌های دوجانبه ایفا کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که ظرفیت‌های همکاری پلیسی ایران و عربستان در پرتو تحولات جدید روابط دوجانبه چیست و چه موانع و فرصت‌هایی در مسیر نهادینه‌سازی آن وجود دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی، به بررسی ساختارهای پلیسی، نهادهای امنیتی، بسترهای حقوقی و زمینه‌های عملیاتی همکاری میان ایران و عربستان می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه اختلافات ژئوپلیتیکی، بی‌اعتمادی تاریخی، تفاوت‌های نهادی و محدودیت‌های ناشی از محیط امنیتی منطقه، مانع شکل‌گیری همکاری پایدار پلیسی بوده‌اند، اما تهدیدات مشترک از جمله جرائم سازمان‌یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی، جرائم سایبری، افراط‌گرایی خشونت‌بار و ضرورت تأمین امنیت زائران، ظرفیت‌های مهمی برای توسعه همکاری‌های انتظامی و تبادل اطلاعات فراهم کرده‌اند. نتیجه‌گیری مقاله آن است که موفقیت همکاری پلیسی ایران و عربستان مستلزم گذار از امنیت‌نگری صرفاً سیاسی به امنیت‌نگری کارکردی، تدوین تفاهم‌نامه‌های تخصصی، ایجاد کانال‌های ارتباطی رسمی میان نهادهای انتظامی و تقویت سازوکارهای اعتمادسازی تدریجی است.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی پلیسی، ایران، عربستان سعودی، امنیت منطقه‌ای، جرائم فراملی، اعتمادسازی امنیتی.

## مقدمه

روابط ایران و عربستان سعودی در دهه های اخیر یکی از مهم ترین متغیرهای شکل دهنده نظم امنیتی خلیج فارس و غرب آسیا بوده است. این روابط، همواره تحت تأثیر رقابت های ژئوپلیتیکی، اختلاف در ادراک تهدید، منازعات منطقه ای و تفاوت های ایدئولوژیک قرار داشته و به همین دلیل، همکاری های امنیتی دو کشور غالباً از سطح لازم برای نهادینه شدن فاصله گرفته است. با این حال، تحولات جدید در روابط دوجانبه، به ویژه احیای مناسبات دیپلماتیک، امکان طرح دوباره این پرسش را فراهم ساخته است که آیا می توان از ظرفیت های همکاری پلیسی به عنوان سطحی کمتر سیاسی، فنی تر و عمل گرایانه تر برای مدیریت تهدیدات مشترک استفاده کرد؟

در ادبیات جدید امنیت بین الملل، پلیس دیگر صرفاً بازیگری داخلی نیست، بلکه در قالب دیپلماسی پلیسی، به بخشی از شبکه همکاری های فراملی برای مقابله با تهدیدات مشترک تبدیل شده است. دیپلماسی پلیسی در بردارنده مجموعه ای از تعاملات رسمی و غیررسمی میان نهادهای انتظامی، اطلاعاتی و قضایی کشورها برای تبادل اطلاعات، استرداد مجرمان، مبارزه با جرائم سازمان یافته، کنترل مرزها، مقابله با تروریسم و ارتقای امنیت انسانی است. از این منظر، مطالعه ظرفیت های همکاری پلیسی ایران و عربستان می تواند افق های جدیدی برای تقویت امنیت منطقه ای و کاهش تنش های مزمن در خلیج فارس بگشاید. این مقاله درصدد است با رویکردی تطبیقی، ظرفیت ها، چالش ها و الزامات همکاری پلیسی ایران و عربستان را در پرتو تحولات جدید روابط دوجانبه بررسی کند.

## بخش اول: کلیات

### ۱-۱. طرح مسئله

با وجود اینکه ایران و عربستان در بسیاری از مسائل منطقه ای با یکدیگر رقابت داشته اند، هر دو کشور با مجموعه ای از تهدیدات امنیتی مشترک مواجه اند که ماهیت فراملی و پیچیده دارند. از جمله این تهدیدات می توان به قاچاق مواد مخدر، پول شویی، تأمین مالی تروریسم، افراط گرایی خشونت آمیز، جرائم سایبری، قاچاق انسان و سوء استفاده از مسیرهای دریایی برای فعالیت های غیرقانونی اشاره کرد. این تهدیدات، برخلاف اختلافات سیاسی، نیازمند سازوکارهای همکاری فنی، تخصصی و مستمر هستند.

مسئله اصلی آن است که علی رغم وجود تهدیدات مشترک، همکاری پلیسی میان ایران و عربستان در سطحی نهادمند و پایدار شکل نگرفته است. پرسش اساسی این پژوهش آن است که چه ظرفیت هایی برای همکاری پلیسی میان دو کشور وجود دارد و چگونه می توان این ظرفیت ها را در پرتو تحولات جدید روابط دوجانبه فعال ساخت؟

### ۱-۲. روش شناسی

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی-تحلیلی است. رویکرد اصلی مقاله، تطبیقی است؛ بدین معنا که ساختارها، ظرفیت ها و محدودیت های همکاری پلیسی ایران و عربستان از منظر نهادی، حقوقی و عملیاتی مقایسه می شود. داده ها از طریق منابع کتابخانه ای، اسناد رسمی، گزارش های بین المللی، متون حقوقی، و پژوهش های تخصصی در حوزه امنیت منطقه ای و همکاری پلیسی گردآوری شده اند.

## بخش دوم. چارچوب مفهومی: دیپلماسی پلیسی و همکاری امنیتی

### ۲-۱. تبیین مفهومی دیپلماسی پلیسی

دیپلماسی پلیسی از مفاهیم نوپدید و میان‌رشته‌ای در مطالعات امنیتی معاصر است که در نقطه تلاقی حقوق بین‌الملل، روابط بین‌الملل، مطالعات پلیسی، جرم‌شناسی فراملی و حکمرانی امنیتی قرار می‌گیرد. این مفهوم ناظر بر مجموعه تعاملات رسمی، نیمه‌رسمی و فنی میان نهادهای پلیسی، انتظامی، مرزبانی، گمرکی و گاه نهادهای قضایی و اطلاعاتی دولت‌هاست که با هدف پیشگیری، کشف، کنترل و سرکوب جرائم فراملی و تهدیدات امنیتی مشترک شکل می‌گیرد (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۱</sup>

### ۲-۲. تمایز دیپلماسی پلیسی از دیپلماسی سنتی

یکی از نکات بنیادی در فهم این مفهوم، تمایز آن از دیپلماسی کلاسیک یا سنتی است. دیپلماسی سنتی عمدتاً از طریق وزارتخانه‌های امور خارجه، سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های رسمی دولت‌ها انجام می‌شود و بیش از همه متوجه روابط سیاسی، معاهدات رسمی، مذاکرات بین‌الدولی و مدیریت اختلافات کلان است. در مقابل، دیپلماسی پلیسی عمدتاً کارکردمحور، مسئله‌محور، تخصصی و عملیاتی است و بر حل مسائل انضمامی در حوزه امنیت عمومی و جرم فراملی تمرکز دارد (Gregory, ۲۰۲۱).<sup>۲</sup> در نتیجه، دیپلماسی پلیسی حتی در شرایطی که روابط سیاسی دولت‌ها دچار تنش است نیز می‌تواند در سطوح محدود، موضوعی و فنی استمرار یابد؛ زیرا موضوع آن نه رقابت‌های هویتی و ژئوپلیتیکی، بلکه مقابله با تهدیدات عینی و مشترک است. همین ویژگی باعث شده است برخی پژوهشگران، دیپلماسی پلیسی را یکی از مصادیق مهم دیپلماسی کارکردی<sup>۳</sup> در نظم امنیتی معاصر بدانند (Murray, ۲۰۲۲).<sup>۴</sup>

### ۲-۳. دیپلماسی پلیسی در پرتو نظریه‌های روابط بین‌الملل

از منظر نظری، دیپلماسی پلیسی را می‌توان در چارچوب چند رویکرد مهم در روابط بین‌الملل تحلیل کرد:

الف) رویکرد کارکردگرایی و نئوکارکردگرایی

بر اساس رهیافت کارکردگرایی، همکاری دولت‌ها در حوزه‌های فنی و کم‌تنش می‌تواند به تدریج زمینه‌ساز گسترش همکاری در حوزه‌های حساس‌تر شود. به این اعتبار، همکاری پلیسی در موضوعاتی مانند مقابله با قاچاق، امنیت زائران، مبارزه با پول‌شویی یا جرائم سایبری می‌تواند به‌عنوان «نقطه آغاز» اعتمادسازی میان دولت‌هایی تلقی شود که در سطوح کلان‌تر با اختلافات سیاسی مواجه‌اند (Murray, ۲۰۲۲).<sup>۵</sup> در این رویکرد، پلیس نه فقط یک نهاد اجرایی داخلی، بلکه یک کنشگر فنی مولد اعتماد و ارتباطات نهادی در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی قلمداد می‌شود.

ب) رویکرد نهادگرایی لیبرال

<sup>۱</sup> INTERPOL. (۲۰۲۴). International police cooperation in countering transnational crime. INTERPOL Publications.

<sup>۲</sup> Gregory, F. (۲۰۲۱). Policing and international security cooperation. Routledge.

<sup>۳</sup> technical diplomacy

<sup>۴</sup> Murray, S. (۲۰۲۲). Technical diplomacy and transgovernmental security networks in the twenty-first century. International Journal of Diplomacy and Economy, ۸(۱), ۴۱-۶۳.

<sup>۵</sup> ibid

در نگاه نهادگرایان، نهادها و رژیم‌های همکاری می‌توانند با کاهش هزینه‌های مبادله، تسهیل تبادل اطلاعات، استانداردسازی رویه‌ها و افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتار بازیگران، زمینه همکاری پایدار را فراهم کنند. در این چارچوب، سازمان‌هایی چون اینترپل، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل<sup>۱</sup> و حتی موافقت‌نامه‌های دوجانبه پلیسی، نقش مهمی در نهادینه‌سازی دیپلماسی پلیسی ایفا می‌کنند (UNODC, ۲۰۲۴)<sup>۲</sup>. بنابراین، هرچه روابط پلیسی از سطح موردی و مقطعی به سطح نهادمند، قاعده‌مند و رویه‌مند ارتقا یابد، احتمال پایداری آن بیشتر خواهد شد.

### ج) رویکرد سازه‌انگاری

از منظر سازه‌انگاری، تهدیدات امنیتی صرفاً عینی نیستند، بلکه از خلال ادراکات، هویت‌ها و گفتمان‌ها ساخته می‌شوند. در روابط دولت‌های رقیب، بخش قابل توجهی از ناامنی ناشی از سوءادراک، بدگمانی و تصویرسازی تهدیدآمیز متقابل است. دیپلماسی پلیسی می‌تواند از طریق تماس‌های حرفه‌ای مستقیم، تبادل هیئت‌ها، آموزش‌های مشترک و همکاری بر سر پرونده‌های مشترک، به کاهش این سوءادراک‌ها کمک کند و نوعی اجتماعی‌شدن امنیتی میان نهادهای مسئول امنیت ایجاد نماید (Bowling & Sheptycki, ۲۰۲۲)<sup>۳</sup>. به همین علت، دیپلماسی پلیسی صرفاً یک ابزار مقابله با جرم نیست، بلکه مکانیسمی برای تغییر تدریجی ادراکات امنیتی نیز به شمار می‌رود.

### ۴-۲. مفهوم همکاری امنیتی و نسبت آن با دیپلماسی پلیسی

همکاری امنیتی در معنای عام، به مجموعه اقدامات هماهنگ دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات مشترک علیه صلح، ثبات، نظم عمومی و امنیت ملی اطلاق می‌شود. این همکاری می‌تواند در سطوح مختلف سیاسی، نظامی، اطلاعاتی، قضایی، انتظامی، مرزی و سایبری تحقق یابد (Buzan & Wæver, ۲۰۲۳)<sup>۴</sup>. با این حال، دیپلماسی پلیسی در میان اشکال مختلف همکاری امنیتی، جایگاهی خاص دارد؛ زیرا از یک سو در سطحی پایین‌تر از همکاری نظامی قرار می‌گیرد و حساسیت سیاسی کمتری دارد، و از سوی دیگر نسبت به صرف همکاری قضایی یا اداری، ماهیتی چابک‌تر، عملیاتی‌تر و مستمرتر دارد.

### ۵-۲. کارکردهای دیپلماسی پلیسی در سطح منطقه‌ای

دیپلماسی پلیسی در بستر منطقه‌ای دارای کارکردهایی چندلایه است که هر یک می‌تواند به تقویت همکاری امنیتی میان دولت‌ها منجر شود:

#### الف) اعتمادسازی میان دولت‌های رقیب

<sup>۱</sup> UNODC

<sup>۲</sup> UNODC. (۲۰۲۴). Transnational organized crime in the Gulf region. United Nations Office on Drugs and Crime.

<sup>۳</sup> Bowling, B., & Sheptycki, J. W. E. (۲۰۲۲). Global policing and transnational law enforcement: Contemporary perspectives on power, security and governance. Sage.

<sup>۴</sup> Buzan, B., & Wæver, O. (۲۰۲۳). Regions and powers in the twenty-first century: Security dynamics in a changing world. Cambridge University Press.

در مناطقی که بی اعتمادی سیاسی و رقابت ژئوپلیتیکی شدید است، همکاری پلیسی می تواند به عنوان یک حوزه کم هزینه تر و کم تنش تر برای آغاز تعامل عمل کند. تماس های مکرر حرفه ای و همکاری در پرونده های مشخص، به تدریج سرمایه ای از اعتماد نهادی ایجاد می کند که در سطوح دیگر روابط نیز اثرگذار است (Jones, ۲۰۲۳).<sup>۱</sup>

### ب) کاهش سوء ادراک های امنیتی

بخش مهمی از تنش های منطقه ای ناشی از فقدان ارتباط مستقیم و اتکای بیش از حد به برداشتهای غیرمستقیم است. دیپلماسی پلیسی با فراهم کردن بستر ارتباط مستقیم میان نهادهای امنیتی، می تواند از شکل گیری برداشتهای نادرست درباره تحرکات مرزی، فعالیت شبکه های فراملی و منشأ تهدیدات جلوگیری کند (Bowling & Sheptycki, ۲۰۲۲).<sup>۲</sup>

### ج) مقابله با جرائم فراملی

قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح، قاچاق انسان، جرائم مالی و سایبری، نمونه هایی از تهدیداتی هستند که به دلیل ماهیت فرامرزی خود، پاسخ های صرفاً ملی را بی اثر یا کم اثر می سازند. از این منظر، دیپلماسی پلیسی ابزار ضروری برای هم افزایی ظرفیت های ملی در مقابله با تهدیدات مشترک است (UNODC, ۲۰۲۳).<sup>۳</sup>

### د) تسهیل استرداد و معاضدت قضایی

هرچه ارتباط نهادهای پلیسی و قضایی میان دو یا چند کشور منظم تر و مبتنی بر اعتماد بیشتر باشد، پیگیری پرونده های فرامرزی و استرداد مجرمان نیز با سرعت و کارآمدی بیشتری انجام می شود. این امر برای کشورهایی که با شبکه های مجرمانه منطقه ای مواجه اند، اهمیت ویژه ای دارد (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۴</sup>

### ه) تقویت امنیت مرزها و مسیرهای دریایی

در مناطق دریایی و مرزی حساس، همکاری پلیسی می تواند شامل تبادل هشدارهای امنیتی، همکاری در پایش تحرکات مشکوک، کنترل اسناد، مقابله با قاچاق و تأمین امنیت بنادر و گذرگاه ها باشد. در منطقه خلیج فارس و دریای عمان، این کارکرد به ویژه از حیث مبارزه با قاچاق و حفظ امنیت کشتیرانی اهمیت دارد (GCCPOL, ۲۰۲۳).<sup>۵</sup>

## ۶-۲. دیپلماسی پلیسی و امنیت منطقه ای در خلیج فارس

در محیط امنیتی خلیج فارس، دیپلماسی پلیسی دارای اهمیت مضاعف است؛ زیرا این منطقه هم زمان با دو ویژگی مواجه است: نخست، سطح بالای رقابت ژئوپلیتیکی و بی اعتمادی تاریخی میان برخی دولت ها؛ دوم، گسترش تهدیدات فراملی غیرسنتی که مستلزم همکاری های فنی و اجرایی اند. به همین دلیل، بسیاری از تحلیل گران امنیت منطقه ای معتقدند که همکاری های موضوع محور و فنی - از جمله در حوزه پلیسی - می تواند یکی از واقع بینانه ترین مسیرها برای آغاز نوعی معماری

<sup>۱</sup> Jones, C. (۲۰۲۳). Saudi-Iranian rapprochement and regional security dynamics. Middle East Policy, ۳۰(۲), ۸۸-۱۰۴.

<sup>۲</sup> Op.Cit

<sup>۳</sup> UNODC. (۲۰۲۳). Global report on trafficking in persons ۲۰۲۲/۲۰۲۳ update. United Nations Office on Drugs and Crime. <https://www.unodc.org>

<sup>۴</sup> Op.Cit

<sup>۵</sup> GCCPOL. (۲۰۲۳). Annual report on Gulf police cooperation and regional security coordination. Gulf Cooperation Council Police.

امنیتی تدریجی و غیرنظامی در خلیج فارس باشد (Katzman, ۲۰۲۴)<sup>۱</sup>. در این چارچوب، موضوعاتی چون امنیت زائران، مقابله با جرائم سازمان یافته، پول شویی، افراط گرایی خشونت بار، تأمین مالی تروریسم، امنیت مرزها و جرائم سایبری می تواند به عنوان حوزه های اولویت دار برای همکاری پلیسی مطرح شود.

برآیند مباحث فوق نشان می دهد که دیپلماسی پلیسی یک مفهوم صرفاً اجرایی یا اداری نیست، بلکه بخشی از حکمرانی امنیتی نوین و یکی از سازوکارهای مهم همکاری امنیتی غیرنظامی در جهان معاصر است. این نوع دیپلماسی با تکیه بر منطق کارکردی، فنی و مسئله محور، می تواند حتی در شرایطی که روابط سیاسی دولت ها شکننده یا رقابتی است، راهی برای تداوم تعاملات امنیتی فراهم آورد. به ویژه در مناطق حساس و پرتنش مانند خلیج فارس، دیپلماسی پلیسی می تواند از طریق اعتمادسازی، کاهش سوء ادراک، تقویت تبادل اطلاعات، مقابله با جرائم فراملی و تسهیل همکاری های حقوقی و انتظامی، زمینه را برای شکل گیری الگوهای باثبات تر همکاری امنیتی فراهم سازد.

بر این اساس، در پژوهش حاضر، دیپلماسی پلیسی به مثابه یک متغیر واسط و تسهیل گر در نظر گرفته می شود که می تواند میان اراده سیاسی دولت ها و تحقق عملی همکاری های امنیتی پیوند برقرار کند. هرچه این دیپلماسی از سطح موردی و واکنشی به سطح نهادمند و قاعده مند ارتقا یابد، احتمال موفقیت همکاری های امنیتی منطقه ای نیز افزایش خواهد یافت.

## بخش سوم : یافته ها و نتایج پژوهش

### ۱-۳. ظرفیت های همکاری پلیسی ایران و عربستان

روابط ایران و عربستان سعودی، اگرچه در مقاطع مختلف تحت تأثیر تنش های سیاسی و امنیتی قرار گرفته است، اما در سطح کارکردی واجد ظرفیت هایی است که می تواند مبنای شکل گیری همکاری های پلیسی و امنیتی پایدار قرار گیرد. بررسی این ظرفیت ها نشان می دهد که وجود تهدیدات مشترک، نیازهای عملیاتی هم پوشان و حوزه های تخصصی قابل مدیریت، زمینه های مناسب برای توسعه دیپلماسی پلیسی میان دو کشور فراهم می کند. در واقع، همان گونه که در ادبیات پژوهش نیز بر آن تأکید شده، منطقه خلیج فارس با چالش های امنیتی مشترکی چون تروریسم، جرائم سازمان یافته فراملی، جرائم سایبری و ناامنی دریایی مواجه است و همین امر ضرورت همکاری های امنیتی را بیش از پیش نمایان می سازد.

#### ۱-۱-۳. مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی

یکی از مهم ترین حوزه های قابل همکاری میان ایران و عربستان، مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی است. این جرائم در فضای ژئوپلیتیکی خلیج فارس اغلب در قالب شبکه های چندلایه و فراملی ظاهر می شوند و مصادیقی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق سلاح، پول شویی و سایر فعالیت های مجرمانه سازمان یافته را شامل می شوند. از منظر حقوق بین الملل کیفری و همکاری های پلیسی، جرائم سازمان یافته فراملی از جمله حوزه هایی هستند که ماهیت آن ها فراتر از مرزهای ملی است و به همین دلیل، مقابله مؤثر با آن ها مستلزم تبادل اطلاعات، هماهنگی عملیاتی، همگرایی در ردیابی مجرمان و همکاری در استرداد یا تعقیب قضایی است. به ویژه در محیط امنیتی خلیج فارس، که مسیرهای دریایی، شبکه های مالی و ارتباطات انسانی فراملی نقش تعیین کننده دارند، همکاری پلیسی ایران و عربستان می تواند در سطحی کارکردی به کاهش

<sup>۱</sup> Katzman, K. (۲۰۲۴). Gulf security and regional diplomacy. Congressional Research Service.

ظرفیت‌های مجرمانه این شبکه‌ها منجر شود. در همین راستا، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی نیز بر پیوند نزدیک میان جرائم فراملی، قاچاق و پول‌شویی در مناطق راهبردی جهان تأکید دارند (FATF, ۲۰۲۴).<sup>۱</sup>

از منظر تحلیلی، ظرفیت همکاری در این حوزه از آنجا برجسته می‌شود که هر دو کشور، به‌عنوان بازیگران مهم امنیتی در خلیج فارس، با فشارهای مشابهی مواجه‌اند. به بیان دیگر، تهدیدهای فراملی در عمل منطق «منافع مشترک» را بر منطق «رقابت سیاسی» مقدم می‌سازند و این امر می‌تواند زمینه‌ساز نهادینه‌سازی تماس‌های پلیسی و اطلاعاتی میان دو کشور باشد. در چنین بستری، حتی در صورت تداوم اختلافات سیاسی، همکاری در حوزه جرائم سازمان‌یافته می‌تواند به‌مثابه یک کانال اعتمادساز کم‌هزینه و پربازده عمل کند (Shelley, ۲۰۲۱).<sup>۲</sup>

### ۲-۱-۳. مبارزه با پول‌شویی

محور دیگر همکاری پلیسی میان ایران و عربستان، مبارزه با پول‌شویی است. پول‌شویی به‌عنوان یکی از ارکان اقتصادی جرائم سازمان‌یافته، نه تنها به تداوم شبکه‌های مجرمانه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند ارتباط مستقیم با تأمین منابع مالی فعالیت‌های غیرقانونی و بی‌ثبات‌کننده داشته باشد. در سطح نهادی، مبارزه با پول‌شویی نیازمند تعامل میان واحدهای اطلاعات مالی، پلیس اقتصادی، نهادهای نظارتی و دستگاه‌های قضایی است. همکاری میان این نهادها می‌تواند در قالب تبادل داده‌های مشکوک، رصد تراکنش‌های برون‌مرزی، شناسایی شبکه‌های صوری و انسداد مسیرهای انتقال غیرقانونی منابع صورت گیرد. به‌ویژه در شرایطی که اقتصادهای منطقه به‌شدت به جریان‌های مالی فرامرزی وابسته‌اند، وجود سازوکارهای همکاری در حوزه‌های مبارزه با پول‌شویی<sup>۳</sup> و مقابله با تأمین مالی تروریسم<sup>۴</sup> می‌تواند برای هر دو کشور منافع عملی به همراه داشته باشد (IMF, ۲۰۲۳).<sup>۵</sup>

از منظر دیپلماسی پلیسی، این حوزه به دلیل ماهیت فنی و تخصص‌محور آن، کمتر از سایر حوزه‌ها تحت تأثیر تنش‌های نمادین و سیاسی قرار می‌گیرد. به همین دلیل، می‌تواند به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین نقاط آغاز همکاری میان دو کشور تلقی شود. در واقع، اگر همکاری‌های سیاسی در سطح کلان با فراز و فرود همراه باشد، همکاری در مبارزه با پول‌شویی می‌تواند در قالب یک همکاری تخصصی، غیرسیاسی و مبتنی بر منافع متقابل ادامه یابد. این ویژگی، آن را به یکی از مؤثرترین ابزارهای دیپلماسی پلیسی تبدیل می‌کند.

### ۳-۱-۳. مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌بار

تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌بار از جمله تهدیدهایی هستند که مقابله با آن‌ها صرفاً از طریق رویکردهای سخت‌افزاری ممکن نیست و نیازمند همکاری در سه سطح اطلاعاتی، پلیسی و قضایی است. همکاری پلیسی ایران و عربستان در این حوزه می‌تواند شامل تبادل هشدارهای امنیتی، ردیابی افراد مرتبط با شبکه‌های افراطی، کنترل تحرکات فرامرزی، همکاری در شناسایی منابع مالی و تبادل تجارب عملیاتی باشد. چنین همکاری‌ای از منظر حقوقی نیز با اصول همکاری بین‌المللی در

<sup>۱</sup> FATF. (۲۰۲۴). Annual report ۲۰۲۳-۲۰۲۴. Financial Action Task Force.

<sup>۲</sup> Shelley, L. I. (۲۰۲۱). Transnational crime and security governance in the Middle East. [Publisher details if needed].

<sup>۳</sup> Anti-Money Laundering

<sup>۴</sup> Countering the Financing of Terrorism

<sup>۵</sup> IMF. (۲۰۲۳). Enhancing AML/CFT frameworks in the Middle East and North Africa. International Monetary Fund.

مقابله با جرائم سازمان یافته و تروریسم سازگار است و می تواند در قالب تفاهم نامه های دوجانبه یا سازوکارهای منطقه ای نهادینه شود (UN Security Council, ۲۰۲۲).<sup>۱</sup>

از دیدگاه راهبردی، این حوزه از آن جهت اهمیت دارد که تروریسم نه فقط یک تهدید امنیتی، بلکه یک چالش مستقیم برای ثبات منطقه ای و مشروعیت نهادی دولت هاست. بنابراین، همکاری پلیسی در این زمینه می تواند نقش مهمی در کاهش سوءظن های متقابل، افزایش شفافیت امنیتی و ایجاد زمینه برای اعتمادسازی تدریجی ایفا کند.

#### ۳-۱-۴. جرائم سایبری و امنیت داده

از منظر حقوقی و اجرایی، جرائم سایبری از جمله حوزه هایی هستند که نیازمند استانداردهای فنی مشترک، آموزش تخصصی، تبادل سریع اطلاعات، پاسخ گویی اضطراری و هماهنگی در ردیابی دیجیتال هستند. در این حوزه، همکاری ایران و عربستان می تواند بر پایه تبادل تجربیات فنی، آموزش مشترک نیروهای متخصص، هماهنگی در شناسایی بدافزارها و حملات فیشینگ، و نیز همکاری در شناسایی مجرمان سایبری فرامرزی شکل گیرد. با توجه به ماهیت غیرایدئولوژیک و فناورانه این حوزه، احتمال موفقیت همکاری در آن بالاست؛ زیرا منافع عملی و ضرورت های امنیتی بر رقابت های سیاسی غلبه می کند (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۲</sup> از این رو، توسعه همکاری سایبری میان ایران و عربستان می تواند در بلندمدت به شکل گیری یک سازوکار اعتمادساز و تخصصی بینجامد که فراتر از سطح روابط سیاسی روزمره عمل می کند.

### ۳-۲. موانع همکاری پلیسی ایران و عربستان

همکاری پلیسی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، علی رغم وجود برخی تهدیدات مشترک امنیتی، در عمل با مجموعه ای از موانع ساختاری، سیاسی، حقوقی و محیطی مواجه است. این موانع سبب می شوند که حتی در شرایط بهبود نسبی روابط دیپلماتیک، امکان گذار سریع از سطح تعاملات سیاسی به سطح همکاری نهادمند پلیسی فراهم نشود. در واقع، همکاری پلیسی صرفاً تابع وجود تهدید مشترک نیست، بلکه نیازمند حداقلی از اعتماد سیاسی، زیرساخت های حقوقی مشخص، سازگاری نهادی و ثبات محیط منطقه ای است. در غیاب این عناصر، همکاری های امنیتی و انتظامی غالباً به تعاملات موردی، محدود و شکننده تقلیل می یابند (Wehrey, ۲۰۲۲).<sup>۳</sup>

از منظر تحلیلی، روابط ایران و عربستان در دهه اخیر بیش از آنکه بر همکاری امنیتی مبتنی باشد، تحت تأثیر رقابت ژئوپلیتیکی، اختلاف در ادراک تهدید، و تعارض در برخی عرصه های منطقه ای شکل گرفته است. هرچند از سال ۲۰۲۳ به بعد، با میانجی گری چین و از سرگیری روابط دیپلماتیک، نشانه هایی از تنش زدایی دیده شد، اما این تحول لزوماً به معنای رفع موانع عمیق همکاری پلیسی نیست؛ زیرا نهادینه سازی همکاری انتظامی مستلزم ترتیباتی فراتر از بازگشایی سفارتخانه ها و احیای روابط سیاسی است (International Crisis Group, ۲۰۲۳).<sup>۴</sup> در این چارچوب، مهم ترین موانع همکاری پلیسی

<sup>۱</sup> UN Security Council. (۲۰۲۲). Counter-terrorism cooperation and international security. United Nations.

<sup>۲</sup> INTERPOL. (۲۰۲۴). Cybercrime trends and capacity-building priorities. International Criminal Police Organization.

<sup>۳</sup> Wehrey, F. (۲۰۲۲). The Gulf's fragile peace: Rivalries, de-escalation, and the limits of regional accommodation. Carnegie Endowment for International Peace.

<sup>۴</sup> International Crisis Group. (۲۰۲۳). The China-brokered Saudi-Iran rapprochement: Regional implications and strategic limits. <https://www.crisisgroup.org>

ایران و عربستان را می توان در چهار محور اصلی بررسی کرد: بی اعتمادی سیاسی و امنیتی، نبود چارچوب حقوقی دوجانبه کافی، تفاوت در ساختارهای نهادی و اولویت های امنیتی، و فشار محیط منطقه ای.

### ۱-۲-۳. بی اعتمادی سیاسی و امنیتی

مهم ترین و بنیادی ترین مانع همکاری پلیسی ایران و عربستان را باید در بی اعتمادی سیاسی و امنیتی متقابل جست و جو کرد. روابط دو کشور در چند دهه اخیر، به ویژه پس از تحولات ژئوپلیتیکی منطقه در دهه ۲۰۱۰، به شدت تحت تأثیر رقابت بر سر نفوذ منطقه ای، برداشت های متفاوت از نظم امنیتی خلیج فارس، و نگاه امنیتی متقابل قرار داشته است. این وضعیت موجب شده که حتی حوزه های بالقوه فنی و غیرسیاسی، مانند همکاری پلیسی، نیز از منظر دو دولت در چارچوب ملاحظات راهبردی و امنیتی ارزیابی شوند (Ulrichsen, ۲۰۲۳).<sup>۱</sup>

بی اعتمادی در روابط امنیتی معمولاً به این معناست که هرگونه تبادل اطلاعات، تماس عملیاتی یا همکاری در زمینه تعقیب مجرمان، نه صرفاً به عنوان اقدام انتظامی، بلکه به عنوان انتقال بالقوه داده های حساس امنیتی تلقی می شود. در نتیجه، نهادهای امنیتی و انتظامی دو طرف تمایل کمتری به اشتراک گذاری اطلاعات، هماهنگی عملیاتی و ایجاد سازوکارهای مشترک پیدا می کنند. در مورد ایران و عربستان، این بی اعتمادی ناشی از ادراکات متقابل از تهدید، نسبت دادن نقش مداخله گرانه به طرف مقابل در برخی بحران های منطقه ای، و نیز تجربه تاریخی گسست در روابط دیپلماتیک بوده است (Wehrey, ۲۰۲۲).<sup>۲</sup>

از منظر نظری، همکاری پلیسی زمانی پایدار می شود که طرفین به این جمع بندی برسند که منافع ناشی از همکاری بر هزینه های امنیتی ناشی از افشای اطلاعات، وابستگی متقابل یا امتیازدهی تاکتیکی می چربد. اما در شرایطی که منطق رقابت امنیتی غالب باشد، حتی در صورت وجود تهدیدهای مشترک مانند تروریسم، قاچاق یا جرائم سایبری، همکاری انتظامی نیز با سوءظن همراه می شود. این سوءظن می تواند خود را در امتناع از تبادل داده های عملیاتی، کندی در پاسخ گویی به درخواست های همکاری، یا محدودسازی حوزه تماس میان نهادهای ذی ربط نشان دهد (Krieg & Al-Eryani, ۲۰۲۳).<sup>۳</sup> افزون بر این، بی اعتمادی سیاسی صرفاً در سطح دولت ها باقی نمی ماند، بلکه به ساختار ادراکی نهادهای امنیتی نیز تسری می یابد. در چنین فضایی، پلیس و نهادهای اطلاعاتی ممکن است همکاری با طرف مقابل را نه یک اقدام حرفه ای و انتظامی، بلکه ریسکی برای امنیت ملی تلقی کنند. این مسئله به ویژه در کشورهایی که حوزه امنیت داخلی و امنیت خارجی پیوند نهادی نزدیکی با یکدیگر دارند، تأثیر بیشتری بر روند همکاری پلیسی می گذارد. بنابراین، بی اعتمادی متقابل را باید مانعی اولیه و مادر دانست که سایر موانع نیز تا حدی از آن تغذیه می کنند (Katzman, ۲۰۲۴).<sup>۴</sup>

در عین حال، باید توجه داشت که از سرگیری روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳ گرچه می تواند مقدمه ای برای کاهش این بی اعتمادی باشد، اما به تنهایی برای تبدیل روابط سیاسی به همکاری پلیسی کافی نیست. اعتماد در حوزه انتظامی و امنیتی، به ویژه میان دو رقیب منطقه ای، فرایندی تدریجی، انباشتی و مبتنی بر تجربه های موفق محدود است. از این رو، تا زمانی که

<sup>۱</sup> Ulrichsen, K. C. (۲۰۲۳). Gulf security after the Saudi-Iran agreement: Prospects and constraints. Rice University Baker Institute for Public Policy.

<sup>۲</sup> Op.Cit

<sup>۳</sup> Krieg, A., & Al-Eryani, A. (۲۰۲۳). The geopolitics of de-escalation in the Gulf: Saudi-Iranian rapprochement and regional security. Contemporary Security Policy, ۴۴(۴), ۵۱۲-۵۳۱.

<sup>۴</sup> Katzman, K. (۲۰۲۴). Iran-Saudi relations after normalization: Security, diplomacy, and regional order. Congressional Research Service.

سازوکارهای اعتمادساز، تماس های فنی مستمر و تعاملات کم هزینه در حوزه های غیر حساس شکل نگیرد، بی اعتمادی سیاسی و امنیتی همچنان مهم ترین مانع همکاری پلیسی دو کشور باقی خواهد ماند (International Crisis Group, ۲۰۲۳).<sup>۱</sup>

۲-۲-۳. نبود چارچوب حقوقی دوجانبه کافی

یکی دیگر از موانع جدی همکاری پلیسی ایران و عربستان، فقدان چارچوب حقوقی دوجانبه در حوزه همکاری های انتظامی و قضایی است. همکاری پلیسی مؤثر، برخلاف تصور رایج، صرفاً با اراده سیاسی حاصل نمی شود، بلکه مستلزم وجود اسناد حقوقی مشخصی است که حدود، شرایط، سازوکارها و تضمین های همکاری را تعیین کنند. این اسناد معمولاً شامل موافقت نامه های مربوط به استرداد مجرمان، معاضدت قضایی متقابل، تبادل اطلاعات، آموزش نیروهای پلیسی، همکاری در امنیت مرزی و دریایی، و سازوکارهای تماس مستقیم میان نهادهای ذی ربط هستند (UNODC, ۲۰۲۳).<sup>۲</sup>

در غیاب چنین ترتیباتی، همکاری پلیسی عمدتاً به اقدامات موردی و مورد محور محدود می شود؛ اقداماتی که غالباً مبتنی بر تماس های غیررسمی، وساطت سیاسی یا شرایط خاص زمانی هستند و از ثبات، پیش بینی پذیری و ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیستند. در روابط ایران و عربستان، یکی از مشکلات اصلی آن است که همکاری های امنیتی و انتظامی هنوز به سطحی از نهادینه سازی حقوقی نرسیده اند که بتواند از تداوم، شفافیت و قابلیت اجرا در شرایط مختلف سیاسی حمایت کند (Katzman, ۲۰۲۴).<sup>۳</sup>

اهمیت وجود چارچوب حقوقی از آن جهت است که همکاری پلیسی مستقیماً با حقوق و آزادی های افراد، صلاحیت سرزمینی دولت ها، محرمانگی اطلاعات، و مشروعیت اقدامات فرامرزی ارتباط دارد. برای مثال، بدون وجود موافقت نامه روشن در زمینه استرداد، ممکن است دو دولت در مورد شرایط تحویل متهمان یا محکومان، اصل جرم انگاری مضاعف، استثنای سیاسی، یا تضمین های دادرسی عادلانه اختلاف داشته باشند. به همین ترتیب، در حوزه تبادل اطلاعات، نبود قواعد مشخص می تواند نگرانی هایی در خصوص سطح محرمانگی، نحوه استفاده از داده ها، و مسئولیت ناشی از افشای اطلاعات ایجاد کند (Boister, ۲۰۲۱).<sup>۴</sup> در موضوع معاضدت قضایی نیز نبود سازوکارهای قراردادی، روند رسیدگی به درخواست های همکاری را طولانی، مبهم و گاه ناممکن می سازد. این مسئله به ویژه در پرونده های جرائم سازمان یافته، پول شویی، جرائم سایبری و تروریسم اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا این دسته از جرائم نیازمند سرعت عمل، هماهنگی چندسطحی و اعتماد متقابل در تبادل مستندات و داده ها هستند. فقدان ترتیبات دوجانبه روشن میان ایران و عربستان موجب می شود که حتی در صورت وجود اراده سیاسی برای همکاری، نهادهای انتظامی و قضایی دو کشور با خلأهای حقوقی و اجرایی مواجه شوند (FATF, ۲۰۲۴).<sup>۵</sup>

از منظر تطبیقی نیز تجربه همکاری های پلیسی در سایر مناطق نشان می دهد که نهادینه سازی حقوقی، شرط اصلی گذار از «تعامل امنیتی موردی» به «همکاری پلیسی پایدار» است. در واقع، بدون معاهدات یا تفاهم نامه های اجرایی، همکاری انتظامی در برابر تغییر دولت ها، نوسانات روابط سیاسی و بحران های منطقه ای بسیار آسیب پذیر خواهد بود. از این رو، نبود چارچوب

<sup>۱</sup> Op.Cit

<sup>۲</sup> Op.Cit

<sup>۳</sup> Op.Cit

<sup>۴</sup> Boister, N. (۲۰۲۱). An introduction to transnational criminal law (۲nd ed.). Oxford University Press.

<sup>۵</sup> Op.Cit

حقوقی دوجانبه کافی را باید نه تنها یک مانع فنی، بلکه یک مانع بنیادین برای تثبیت دیپلماسی پلیسی میان ایران و عربستان دانست (UNODC, ۲۰۲۳).<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۳. تفاوت در ساختارهای نهادی و اولویت های امنیتی

مانع مهم دیگر در مسیر همکاری پلیسی ایران و عربستان، تفاوت در ساختارهای نهادی، شیوه تصمیم گیری و اولویت های امنیتی دو کشور است. همکاری پلیسی موفق معمولاً زمانی شکل می گیرد که نهادهای متناظر در دو کشور از حداقلی از شباهت کارکردی، وضوح صلاحیت ها، و سازوکارهای ارتباطی برخوردار باشند. در غیر این صورت، حتی در صورت وجود توافق سیاسی، اجرای همکاری با دشواری های نهادی، بوروکراتیک و عملیاتی روبه رو خواهد شد (Malmvig et al., ۲۰۲۱).<sup>۲</sup>

ساختار امنیت داخلی و انتظامی در ایران و عربستان از حیث میزان تمرکز، نحوه ارتباط میان پلیس، نهادهای اطلاعاتی، نهادهای نظامی و دستگاه قضایی، و همچنین شیوه سیاست گذاری امنیتی، تفاوت های قابل توجهی دارد. این تفاوت ها نه فقط در سطح سازمانی، بلکه در سطح فرهنگ نهادی نیز اثرگذار هستند. برای مثال، اگر در یک کشور تصمیم گیری امنیتی به صورت متمرکز و سلسله مراتبی انجام شود و در کشور دیگر، فرآیند هماهنگی میان چندین نهاد با صلاحیت های موازی صورت گیرد، برقراری تماس پایدار میان نهادهای متناظر دشوارتر می شود. این وضعیت می تواند به ابهام در تعیین مرجع صلاحیت دار، تأخیر در پاسخ گویی، و ناهم زمانی در اجرای تعهدات منجر شود (Wehrey, ۲۰۲۲).<sup>۳</sup>

علاوه بر تفاوت در ساختار نهادی، اختلاف در اولویت های امنیتی نیز مانع دیگری برای همکاری مؤثر است. دولت ها زمانی به همکاری پلیسی پایدار روی می آورند که در ادراک تهدید و اولویت بندی مخاطرات، اشتراک نسبی داشته باشند. در حالی که ایران و عربستان در برخی موارد با تهدیدات مشترکی چون قاچاق، جرائم سایبری یا افراط گرایی مواجه اند، اما همواره در تفسیر منشأ تهدید، اولویت بندی مخاطرات، و نسبت میان امنیت داخلی و تحولات منطقه ای هم نظر نبوده اند (Krieg & Al-Eryani, ۲۰۲۳).<sup>۴</sup> این تفاوت در اولویت ها آثار عملی مستقیم دارد. برای نمونه، ممکن است یک طرف تمرکز اصلی خود را بر مقابله با تهدیدات فرامرزی شبکه ای قرار دهد، در حالی که طرف دیگر تهدیدهای ناشی از محیط منطقه ای یا کنشگران غیردولتی خاص را در اولویت بگذارد. چنین ناهم خوانی ای سبب می شود که دستور کارهای همکاری پلیسی به سختی هماهنگ شوند و هر دو طرف در تعریف موضوعات فوری، نوع همکاری لازم و سطح حساسیت اطلاعات اختلاف داشته باشند. در نتیجه، حتی اگر سازوکار حقوقی و سیاسی همکاری نیز وجود داشته باشد، نبود هم ترازی نهادی و ادراکی می تواند مانع تحقق عملی آن شود (Ulrichsen, ۲۰۲۳).<sup>۵</sup>

از زاویه حقوقی-اداری نیز تفاوت در رژیم های تصمیم گیری و سطح تمرکز اختیارات ممکن است اجرای معاضدت انتظامی را پیچیده سازد. در همکاری های فرامرزی، سرعت پاسخ گویی، شفافیت مرجع صلاحیت دار، و امکان پیگیری مستمر درخواست ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. هرچه ساختار نهادی متفاوت تر و هماهنگی درون دولتی دشوارتر باشد، ظرفیت پاسخ گویی منظم به درخواست های مشترک نیز محدودتر می شود. بنابراین، تفاوت های نهادی و اولویت های امنیتی را باید مانعی

<sup>۱</sup> OP.Cit

<sup>۲</sup> Malmvig, H., Valbjørn, M., & Bank, A. (۲۰۲۱). Rivalry and order in the Gulf region: Domestic, regional and international dimensions. *Mediterranean Politics*, ۲۶(۵), ۵۸۳-۶۰۲.

<sup>۳</sup> Op.Cit

<sup>۴</sup> Op.Cit

<sup>۵</sup> Op.Cit

میان سطحی اما بسیار اثرگذار دانست که بدون مدیریت آن، همکاری پلیسی ایران و عربستان در سطح عملیاتی با چالش جدی مواجه خواهد بود (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-۳. فشار محیط منطقه‌ای

چهارمین مانع اساسی در مسیر همکاری پلیسی ایران و عربستان، فشار محیط منطقه‌ای و تأثیرپذیری روابط دوجانبه از منازعات پیرامونی است. روابط دو کشور صرفاً محصول اراده دوجانبه نیست، بلکه به‌طور مستقیم از وضعیت امنیتی خلیج فارس، تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا، رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و بحران‌های جاری در پیرامون منطقه اثر می‌پذیرد. به همین دلیل، حتی اگر در سطح دوجانبه اراده‌ای برای همکاری پلیسی ایجاد شود، وقوع یا تشدید تنش‌های منطقه‌ای می‌تواند روند همکاری را متوقف، محدود یا بی‌اثر کند (International Crisis Group, ۲۰۲۳).<sup>۲</sup>

ماهیت امنیتی خلیج فارس به‌گونه‌ای است که بسیاری از رخدادها در آن، از سطح ملی فراتر رفته و به‌سرعت ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا می‌کنند. در چنین محیطی، روابط ایران و عربستان همواره در بستری از رقابت‌های گسترده‌تر قرار دارد. این بدان معناست که همکاری پلیسی میان دو کشور نمی‌تواند به‌طور کامل از تحولات محیطی مستقل باشد. به بیان دیگر، هر اندازه که روابط دوجانبه در سطح فنی و انتظامی پیشرفت کند، همچنان در معرض تأثیرپذیری از بحران‌های منطقه‌ای، تحولات امنیت دریایی، تنش‌های نیابتی و تغییرات در آرایش ائتلاف‌های منطقه‌ای خواهد بود (Krieg & Al-Eryani, ۲۰۲۳).<sup>۳</sup>

از منظر کارکردی، فشار محیط منطقه‌ای باعث می‌شود که همکاری پلیسی همواره با نوعی «نااطمینانی ساختاری» همراه باشد. نهادهای انتظامی و امنیتی ممکن است در یک مقطع مشخص آمادگی همکاری داشته باشند، اما وقوع یک بحران منطقه‌ای یا تغییر در فضای امنیتی می‌تواند فوراً این همکاری را به حالت تعلیق درآورد. این شکنندگی، مانع مهمی برای نهادینه‌سازی روابط پلیسی است؛ زیرا نهادینه‌سازی مستلزم تداوم، قابلیت پیش‌بینی و مصونیت نسبی از تحولات مقطعی است (International Crisis Group, ۲۰۲۳).<sup>۴</sup>

افزون بر این، محیط منطقه‌ای بر ادراک تهدید دو کشور نیز اثر می‌گذارد. هنگامی که منطقه در وضعیت تنش یا رقابت شدید قرار دارد، هرگونه همکاری امنیتی با ملاحظات بیشتری سنجیده می‌شود و دامنه تبادل اطلاعات و هماهنگی عملیاتی کاهش می‌یابد. به‌ویژه در منطقه‌ای که خطوط تمایز میان امنیت داخلی، امنیت منطقه‌ای و رقابت ژئوپلیتیکی چندان روشن نیست، پلیس نیز نمی‌تواند کاملاً از منطق کلان امنیتی جدا عمل کند. از این حیث، دیپلماسی پلیسی میان ایران و عربستان ناگزیر در سایه تحولات محیطی عمل می‌کند و از همین رو، فشار محیط منطقه‌ای را باید یکی از موانع ساختاری و پایدار این همکاری دانست (Malmvig et al., ۲۰۲۱).<sup>۵</sup> با این همه، همین مانع می‌تواند در صورت مدیریت صحیح به فرصتی برای همکاری نیز تبدیل شود؛ زیرا شدت یافتن تهدیدهای مشترک منطقه‌ای، مانند جرائم دریایی، تروریسم، قاچاق و حملات سایبری، می‌تواند انگیزه لازم برای تماس‌های پلیسی محدود اما مؤثر را فراهم کند. با این حال، تا زمانی که سازوکارهای

<sup>۱</sup> INTERPOL. (۲۰۲۴). International cooperation against transnational crime: Operational frameworks and policing tools. International Criminal Police Organization. <https://www.interpol.int>

<sup>۲</sup> Op.Cit

<sup>۳</sup> Op.Cit

<sup>۴</sup> Op.Cit

<sup>۵</sup> Op.Cit

همکاری از تأثیرپذیری شدید از محیط منطقه‌ای رهایی نیابند، این فشار همچنان یکی از جدی‌ترین محدودیت‌های همکاری پلیسی ایران و عربستان باقی خواهد ماند (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۱</sup>

بررسی موانع همکاری پلیسی ایران و عربستان نشان می‌دهد که این همکاری با وجود ظرفیت‌های موجود، با موانعی چندلایه و به هم پیوسته روبه‌رو است. بی‌اعتمادی سیاسی و امنیتی، به‌عنوان مانع محوری، موجب می‌شود که همکاری‌های انتظامی نیز در پرتو ملاحظات راهبردی تفسیر شوند. نبود چارچوب حقوقی دوجانبه کافی، همکاری را از سطح نهادمند و پایدار به سطحی مقطعی و اراده‌محور تنزل می‌دهد. تفاوت در ساختارهای نهادی و اولویت‌های امنیتی، هماهنگی عملیاتی و ارتباط میان نهادهای ذی‌ربط را دشوار می‌سازد. سرانجام، فشار محیط منطقه‌ای سبب می‌شود که هرگونه پیشرفت در همکاری پلیسی همواره در معرض وقفه، تزلزل و بازگشت‌پذیری قرار گیرد.

### ۳-۳. سنجش تطبیقی ظرفیت‌ها: ایران و عربستان

از منظر تطبیقی، ایران و عربستان هر دو دارای ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه حکمرانی امنیتی، کنترل مرزها، پلیس تخصصی، پلیس مبارزه با مواد مخدر، پلیس سایبری و نهادهای مرتبط با امنیت داخلی هستند. با این حال، نوع بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها متفاوت است. ایران از تجربه گسترده‌تری در مقابله با قاچاق مواد مخدر، مدیریت مرزهای پرخطر، و تعامل با تهدیدات امنیتی نامتقارن برخوردار است. در مقابل، عربستان در حوزه نوسازی زیرساخت‌های امنیتی، بهره‌گیری از فناوری‌های نظارتی، مدیریت امنیت مناسک و توسعه همکاری‌های ساختارمند با شرکای بین‌المللی تجربه‌های قابل توجهی دارد. بر این اساس، همکاری پلیسی میان دو کشور می‌تواند واجد نوعی تکمیل‌کنندگی متقابل باشد.

در یک سنجش تطبیقی، ظرفیت‌های ایران بیشتر در حوزه:

- تجربه میدانی،

- کنترل مرزهای پرتنش،

- مبارزه با قاچاق و شبکه‌های فراملی منطقه‌ای

و ظرفیت‌های عربستان بیشتر در حوزه:

- سامانه‌های هوشمند نظارت،

- امنیت مناسک و تجمعات انبوه،

- همکاری‌های فنی با نهادهای بین‌المللی،

- توسعه زیرساخت‌های داده‌محور امنیتی

قابل مشاهده است. این تفاوت، به‌جای آنکه مانع باشد، می‌تواند مبنای همکاری مکمل و انتقال تجربیات متقابل قرار گیرد.

### ۳-۴. راهکارهای تقویت همکاری پلیسی ایران و عربستان

<sup>۱</sup> Op.Cit

در پرتو موانعی که پیش تر در زمینه همکاری پلیسی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شناسایی شد، تداوم یا گسترش همکاری های امنیتی میان دو کشور مستلزم اتخاذ راهکارهایی است که هم از حیث واقع گرایی سیاسی و هم از منظر کارآمدی حقوقی و نهادی قابلیت اجرا داشته باشند. تجربه همکاری های پلیسی در سطح بین المللی نشان می دهد که در روابط میان دولت هایی که سابقه رقابت ژئوپلیتیکی یا بی اعتمادی امنیتی دارند، همکاری مؤثر معمولاً نه از طریق ترتیبات کلان و دفعی، بلکه از مسیر اقدامات تدریجی، موضوع محور، کم هزینه و اعتمادساز شکل می گیرد. به عبارت دیگر، دیپلماسی پلیسی در چنین شرایطی زمانی موفق خواهد بود که از منطبق «همکاری مرحله ای» پیروی کند؛ یعنی ابتدا بر حوزه های فنی و کم تنش متمرکز شود و سپس، در صورت موفقیت، به سمت سازوکارهای پیچیده تر و نهادمندتر حرکت کند.

در مورد ایران و عربستان، این منطق از اهمیت مضاعف برخوردار است؛ زیرا روابط دو کشور اگرچه پس از توافق ۲۰۲۳ وارد مرحله ای از تنش زدایی شده، اما هنوز از منظر نهادی و امنیتی در مرحله تثبیت قرار ندارد. در چنین وضعیتی، هرگونه راهبرد برای تقویت همکاری پلیسی باید بر این فرض استوار باشد که اعتماد، محصول همکاری است نه پیش شرط کامل آن. بنابراین، لازم است سازوکارهایی طراحی شوند که ضمن حفظ حساسیت های حاکمیتی و امنیتی دو کشور، امکان تماس های منظم، همکاری محدود اما مؤثر، و انباشت تدریجی اعتماد را فراهم آورند (Ulrichsen, ۲۰۲۳).<sup>۱</sup> بر این اساس، مهم ترین راهکارهای تقویت همکاری پلیسی ایران و عربستان را می توان در پنج محور بررسی کرد: ایجاد کانال ارتباطی رسمی، انعقاد تفاهم نامه های موضوعی، توسعه همکاری های آموزشی و حرفه ای، بهره گیری از سازوکارهای چندجانبه، و تفکیک همکاری فنی از اختلافات سیاسی.

### ۱-۴-۳. ایجاد کانال ارتباطی رسمی میان نهادهای انتظامی

نخستین و بنیادی ترین گام در مسیر تقویت همکاری پلیسی ایران و عربستان، ایجاد یک کانال ارتباطی رسمی و مستمر میان نهادهای انتظامی و امنیت داخلی دو کشور است. در عمل، بسیاری از همکاری های پلیسی به دلیل فقدان سازوکارهای تماس مستقیم و قابل اتکا، یا به مرحله اجرا نمی رسند یا صرفاً در واکنش به بحران ها شکل می گیرند. در مقابل، تجربه های بین المللی نشان می دهد که وجود نهادهای تماس رسمی، مانند کمیته های مشترک پلیسی، افسران رابط، کارگروه های ارتباطی یا نقاط تماس دائمی، می تواند همکاری را از سطح غیررسمی و مقطعی به سطح منظم و نهادمند ارتقا دهد (Europol, ۲۰۲۳).<sup>۲</sup>

در مورد ایران و عربستان، ایجاد کمیته مشترک پلیسی یا کارگروه ارتباطی میان وزارت کشور، نهادهای انتظامی و واحدهای تخصصی ذی ربط می تواند نخستین گام عملی در این زمینه باشد. چنین کمیته ای می تواند مأموریت هایی از قبیل تعیین اولویت های همکاری، طراحی سازوکار تبادل اطلاعات، هماهنگی در پرونده های خاص، پیگیری موارد فوری و ارزیابی مستمر وضعیت همکاری را بر عهده گیرد. اهمیت این اقدام در آن است که همکاری پلیسی را از وابستگی کامل به تصمیمات سیاسی کلان خارج کرده و برای آن یک بستر اداری و فنی نسبتاً پایدار ایجاد می کند (UNODC, ۲۰۲۳).<sup>۳</sup>

از منظر حقوقی و سازمانی، ایجاد کانال رسمی تماس، چند کارکرد مهم دارد. نخست، ابهام در تعیین مرجع صلاحیت دار را کاهش می دهد؛ بدین معنا که هر طرف می داند برای پیگیری موضوعات مشخص باید با کدام نهاد یا مقام در کشور مقابل

<sup>۱</sup> Op.Cit

<sup>۲</sup> Europol. (۲۰۲۳). European Union serious and organised crime threat assessment ۲۰۲۳. European Union Agency for Law Enforcement Cooperation. <https://www.europol.europa.eu>

<sup>۳</sup> Op.Cit

ارتباط برقرار کند. دوم، سرعت پاسخ‌گویی در موضوعات فوری، مانند تعقیب مجرمان فراری یا هشدارهای امنیتی، افزایش می‌یابد. سوم، وجود یک سازوکار رسمی، امکان ثبت و مستندسازی تعاملات را فراهم می‌سازد که برای ارزیابی عملکرد، پاسخ‌گویی و توسعه بعدی همکاری ضروری است (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۱</sup> علاوه بر این، کانال‌های رسمی ارتباطی می‌توانند در کاهش بی‌اعتمادی نقش مهمی ایفا کنند. در روابطی که سابقه تنش و قطع ارتباط وجود دارد، نبود تماس‌های منظم موجب می‌شود هر تعامل امنیتی به‌عنوان رخدادی استثنایی و سیاسی تلقی شود. در مقابل، اگر تماس‌های فنی در قالبی منظم و پیش‌بینی‌پذیر انجام گیرد، به تدریج نوعی «اعتماد حرفه‌ای» شکل می‌گیرد که با اعتماد سیاسی یکسان نیست، اما می‌تواند مبنای همکاری عملیاتی قرار گیرد. این نوع اعتماد، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند امنیت زائران، جرائم فراملی و همکاری مرزی، اهمیتی ویژه دارد (Wehrey, ۲۰۲۲).<sup>۲</sup>

از منظر اجرایی، مناسب‌ترین الگو برای آغاز این فرایند آن است که کانال ارتباطی در مرحله نخست بر موضوعات کم‌تنش و بشردوستانه یا فنی متمرکز شود؛ برای مثال، مدیریت امنیت زائران، تبادل هشدارهای مربوط به شبکه‌های قاچاق، یا هماهنگی در موارد اضطراری. در صورت موفقیت این تماس‌ها، می‌توان دامنه کارکرد کمیته یا کارگروه را به موضوعات پیچیده‌تر نیز گسترش داد. بدین ترتیب، ایجاد کانال ارتباطی رسمی را باید «زیرساخت اولیه» هرگونه دیپلماسی پلیسی پایدار میان ایران و عربستان دانست.

#### ۲-۴-۳. انعقاد تفاهم‌نامه‌های موضوعی

دومین راهکار مؤثر برای تقویت همکاری پلیسی ایران و عربستان، انعقاد تفاهم‌نامه‌های موضوعی محدود اما عملیاتی است. در شرایطی که روابط امنیتی دو کشور هنوز از سطح اعتماد لازم برای امضای یک موافقت‌نامه جامع امنیتی یا انتظامی برخوردار نیست، انتظار برای تنظیم سندی فراگیر و همه‌جانبه می‌تواند به تعویق طولانی‌مدت همکاری منجر شود. از این رو، رویکرد تدریجی و موضوع‌محور، از منظر حقوقی و دیپلماتیک، راهکاری واقع‌بینانه‌تر و کم‌هزینه‌تر به شمار می‌آید (Boister, ۲۰۲۱).<sup>۳</sup>

در این چارچوب، چند حوزه به‌طور ویژه برای آغاز همکاری موضوعی مناسب به نظر می‌رسند. نخست، امنیت زائران است که به دلیل تکرارپذیری، حساسیت انسانی و ضرورت هماهنگی عملی، می‌تواند بستری طبیعی برای همکاری انتظامی فراهم آورد. همکاری در این حوزه می‌تواند شامل تبادل اطلاعات درباره مخاطرات احتمالی، هماهنگی‌های کنسولی-انتظامی، سازوکارهای رسیدگی به وضعیت‌های اضطراری، و حمایت از اتباع در شرایط خاص باشد. اهمیت این حوزه در آن است که هم دارای جنبه انسانی و خدماتی است و هم می‌تواند به ایجاد تماس مستمر میان نهادهای ذی‌ربط کمک کند (International Crisis Group, ۲۰۲۳).<sup>۴</sup> دوم، مقابله با مواد مخدر و شبکه‌های قاچاق است. اسناد و گزارش‌های بین‌المللی به‌طور مستمر نشان می‌دهند که قاچاق مواد مخدر و سایر اشکال جرائم سازمان‌یافته فراملی، نیازمند همکاری اطلاعاتی و هماهنگی فرامرزی میان دولت‌هاست. تفاهم‌نامه‌ای محدود در این زمینه می‌تواند موضوعاتی مانند تبادل هشدارها،

<sup>۱</sup> Op.Cit

<sup>۲</sup> Op.Cit

<sup>۳</sup> Op.Cit

<sup>۴</sup> Op.Cit

اشتراک گذاری الگوهای تردد شبکه های قاچاق، آموزش های تخصصی و همکاری در پرونده های دارای ابعاد فرامرزی را در بر گیرد (UNODC, ۲۰۲۴).<sup>۱</sup>

سوم، جرائم سایبری از جمله مناسب ترین زمینه ها برای تفاهم نامه موضوعی به شمار می آید. این حوزه، به رغم حساسیت های خاص خود، نسبت به برخی موضوعات ژئوپلیتیکی کم تنش تر است و بیشتر ماهیتی فنی، پیشگیرانه و تخصصی دارد. تفاهم نامه در این زمینه می تواند ناظر بر تبادل هشدارهای فنی، همکاری در شناسایی الگوهای حملات، ظرفیت سازی کارشناسان، و هماهنگی در مواجهه با جرائم سایبری فرامرزی باشد (Europol, ۲۰۲۳).<sup>۲</sup> چهارم، مبارزه با پول شویی و رصد جریان های مالی مجرمانه است که در تقاطع میان کار پلیسی، نظارت مالی و همکاری قضایی قرار می گیرد. در این حوزه، همکاری می تواند در سطح تبادل اطلاعات درباره الگوهای مشکوک، شناسایی شبکه های مالی مرتبط با جرائم سازمان یافته و آموزش های فنی ضد پول شویی آغاز شود. از منظر سیاست گذاری، این حوزه از آن جهت مهم است که همکاری در مبارزه با پول شویی غالباً در قالب استانداردهای فنی و حرفه ای بین المللی صورت می گیرد و می تواند تا حدی از تنش های سیاسی فاصله بگیرد (FATF, ۲۰۲۴).<sup>۳</sup>

بر این اساس، انعقاد تفاهم نامه های موضوعی را باید راهکاری عمل گرایانه برای آغاز همکاری پلیسی میان ایران و عربستان دانست؛ راهکاری که می تواند بدون تحمیل بار سیاسی سنگین، زمینه را برای نهادینه سازی تدریجی همکاری فراهم سازد.

### ۳-۴-۳. همکاری در حوزه آموزش و تبادل تجربیات

سومین راهکار برای تقویت دیپلماسی پلیسی میان ایران و عربستان، توسعه همکاری های آموزشی، حرفه ای و تبادل تجربیات تخصصی است. این شیوه از همکاری، به ویژه در روابطی که هنوز با محدودیت های سیاسی و حقوقی مواجه اند، یکی از کم هزینه ترین و در عین حال مؤثرترین ابزارهای اعتماد سازی محسوب می شود. دلیل این امر آن است که همکاری آموزشی معمولاً ماهیت غیرتقابلی، فنی و ظرفیت ساز دارد و کمتر در معرض برداشتهای سیاسی یا راهبردی منفی قرار می گیرد (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۴</sup> برگزاری نشست های تخصصی، کارگاه های آموزشی، دوره های مشترک، بازدیدهای حرفه ای و برنامه های تبادل کارشناسی می تواند سطح شناخت متقابل میان نهادهای انتظامی دو کشور را افزایش دهد. در بسیاری از موارد، فقدان همکاری نه فقط ناشی از اختلاف سیاسی، بلکه حاصل ناآشنایی نهادی، تفاوت در رویه ها و نبود زبان مشترک حرفه ای است. تعاملات آموزشی این امکان را فراهم می کند که کارشناسان، فرماندهان و مسئولان واحدهای تخصصی با استانداردها، روش ها و اولویت های طرف مقابل آشنا شوند و از این طریق، موانع ناشی از تفاوت های سازمانی و ادراکی تا حدی کاهش یابد.

این نوع همکاری می تواند در چند حوزه مشخص متمرکز شود: مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی، کشف و رهگیری مواد مخدر، ادله دیجیتال و جرائم سایبری، مدیریت صحنه جرم، مبارزه با پول شویی، امنیت مرزی و دریایی، و مدیریت امنیت اجتماعات و زائران. انتخاب این حوزه ها از آن جهت مناسب است که هم ماهیت فنی دارند و هم با نیازهای واقعی دو کشور

<sup>۱</sup> UNODC. (۲۰۲۴). World drug report ۲۰۲۴. United Nations Office on Drugs and Crime. <https://www.unodc.org>

<sup>۲</sup> Op.Cit

<sup>۳</sup> Op.Cit

<sup>۴</sup> INTERPOL. (۲۰۲۴). International cooperation against transnational crime: Operational frameworks and policing tools. International Criminal Police Organization. <https://www.interpol.int>

در حوزه امنیت داخلی و فرامرزی ارتباط دارند. افزون بر این، چنین موضوعاتی در بسیاری از چارچوب‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و بنابراین امکان استفاده از استانداردهای مشترک در آن‌ها وجود دارد ( FATF, ۲۰۲۴ ).<sup>۱</sup>

از نظر جامعه‌شناسی سازمانی، آموزش و تبادل تجربیات به شکل‌گیری اعتماد حرفه‌ای و شبکه‌های ارتباطی غیررسمی میان کارشناسان کمک می‌کند. این شبکه‌ها در عمل اهمیت زیادی دارند؛ زیرا در شرایط بحران یا ضرورت پاسخ سریع، روابط حرفه‌ای پیشین می‌توانند روند ارتباط و هماهنگی را تسهیل کنند. در واقع، بسیاری از الگوهای موفق همکاری پلیسی در سطح بین‌المللی نه صرفاً بر اسناد حقوقی، بلکه بر پیوندهای حرفه‌ای میان نهادها و کارشناسان متکی بوده‌اند ( INTERPOL, ۲۰۲۴ ).<sup>۲</sup>

بنابراین، تقویت همکاری آموزشی و تبادل تجربیات را باید نه یک اقدام فرعی، بلکه یک ابزار راهبردی در دیپلماسی پلیسی دانست؛ ابزاری که می‌تواند شکاف‌های نهادی را کاهش دهد، اعتمادسازی تدریجی ایجاد کند و زمینه را برای همکاری عملیاتی در آینده فراهم سازد.

#### ۴-۳-۴. استفاده از سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی

چهارمین راهکار تقویت همکاری پلیسی ایران و عربستان، بهره‌گیری از سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی است. در روابطی که همکاری دوجانبه مستقیم با حساسیت‌های سیاسی همراه است، بسترهای چندجانبه می‌توانند نقش «میانجی نهادی» ایفا کنند؛ یعنی فضایی فراهم آورند که در آن، تماس و همکاری میان دولت‌ها در قالبی حرفه‌ای، فنی و کمتر سیاسی صورت گیرد. چنین بستری از این جهت اهمیت دارند که امکان همکاری غیرمستقیم، تدریجی و مبتنی بر استانداردهای مشترک را فراهم می‌سازند (INTERPOL, ۲۰۲۴).<sup>۳</sup> در این چارچوب، سازمان‌ها و سازوکارهایی مانند اینترپل، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، نشست‌های تخصصی امنیتی، برنامه‌های منطقه‌ای آموزش پلیسی، و سایر مجامع همکاری فنی در حوزه عدالت کیفری و پلیسی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. این نهادها معمولاً ابزارهایی مانند پایگاه‌های داده، شبکه‌های تبادل اطلاعات، برنامه‌های آموزشی، راهنماهای عملیاتی و کانال‌های ارتباطی استاندارد را در اختیار اعضا قرار می‌دهند. از این‌رو، همکاری از طریق آن‌ها می‌تواند بخشی از نگرانی‌های مربوط به محرمانگی، استانداردسازی و عدم تقارن نهادی را کاهش دهد.

برای ایران و عربستان، استفاده از بسترهای چندجانبه چند مزیت مهم دارد. نخست، از بار سیاسی همکاری مستقیم می‌کاهد؛ زیرا تماس‌ها در قالب برنامه‌های حرفه‌ای و با مشارکت سایر دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی انجام می‌شوند. دوم، همکاری را در چارچوب هنجارها و رویه‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی قرار می‌دهد که این امر می‌تواند اعتماد طرفین را نسبت به فرایندها افزایش دهد. سوم، امکان می‌دهد دو کشور پیش از ورود به ترتیبات دوجانبه عمیق‌تر، در موضوعات مشخص تجربه همکاری عملی در یک محیط نسبتاً بی‌طرف را کسب کنند (UNODC, ۲۰۲۳).<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Op.Cit

<sup>۲</sup> Op.Cit

<sup>۳</sup> ibid

<sup>۴</sup> Op.Cit

از منظر عملی، این راهکار می تواند شامل اعزام کارشناسان به دوره های مشترک بین المللی، مشارکت در نشست های منطقه ای مقابل با جرائم فراملی، بهره گیری از کانال های استاندارد تبادل هشدارها، و تعریف پروژه های مشترک در قالب برنامه های آموزشی یا فنی بین المللی باشد. در این حالت، چندجانبه گرایی نه جایگزین همکاری دوجانبه، بلکه سکوی انتقالی برای شکل گیری آن خواهد بود. به ویژه در شرایطی که روابط دوجانبه هنوز در مرحله ترمیم و بازسازی قرار دارند، این روش می تواند امکان تعامل کم تنش و تدریجی را فراهم سازد.

## جمع بندی و پیشنهادات

تحلیل تطبیقی ظرفیت های همکاری پلیسی ایران و عربستان سعودی در پرتو تحولات جدید روابط دوجانبه نشان می دهد که بازگشایی مناسبات سیاسی میان دو کشور، صرفاً یک تحول دیپلماتیک در سطح روابط خارجی نیست، بلکه می تواند به منزله ایجاد یک پنجره فرصت برای بازتعریف همکاری های امنیتی و انتظامی در سطحی عملیاتی و تدریجی تلقی شود. یافته های این مقاله آشکار ساخت که هرچند روابط ایران و عربستان طی دهه های اخیر به واسطه رقابت های ژئوپلیتیکی، اختلاف برداشت های امنیتی، و تنش های ناشی از محیط منطقه ای با محدودیت های جدی مواجه بوده است، اما ظهور تهدیدهای مشترک فراملی، از جمله تروریسم، جرائم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، پول شویی، تأمین مالی تروریسم، و جرائم سایبری، زمینه ای عینی برای شکل گیری نوعی همکاری پلیسی کارکردگرا و کم هزینه تر از همکاری های سیاسی و نظامی فراهم کرده است.

بررسی تطبیقی ظرفیت های دو کشور نشان داد که همکاری پلیسی میان ایران و عربستان، بیش از آنکه نیازمند همگرایی کامل سیاسی باشد، محتاج طراحی سازوکارهای حداقلی اعتمادساز، ایجاد کانال های ارتباطی تخصصی، و تفکیک حوزه همکاری های فنی-انتظامی از اختلافات کلان سیاست خارجی است. از این منظر، دیپلماسی پلیسی می تواند به عنوان یکی از اشکال دیپلماسی تخصصی، نقشی واسط و تسهیل گر در کاهش سوء برداشت های امنیتی، ارتقای تبادل اطلاعات، و مدیریت تهدیدهای مشترک ایفا کند. در واقع، مزیت اصلی دیپلماسی پلیسی در این بستر آن است که بر همکاری های عملی، موضوع محور و مسئله محور تکیه دارد و برخلاف الگوهای سنتی همکاری امنیتی، لزوماً متوقف بر حل و فصل کلیه اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک نیست.

با این حال، ظرفیت های موجود هنوز با موانع ساختاری و زمینه ای قابل توجهی روبه رو هستند. بی اعتمادی تاریخی، فقدان چارچوب های حقوقی و اجرایی دوجانبه، تفاوت در ساختارهای نهادی و اولویت های امنیتی، و همچنین تأثیر پذیری روابط دو کشور از محیط متغیر منطقه ای، از جمله مهم ترین عوامل بازدارنده توسعه همکاری پلیسی محسوب می شوند. بنابراین، امکان پذیری همکاری پلیسی ایران و عربستان را باید نه در قالب یک جهش ناگهانی، بلکه در چارچوب یک فرایند تدریجی، مرحله بندی شده و مبتنی بر موضوعات کم تنش تر ارزیابی کرد.

## پیشنهادات برای پژوهش های آتی :

با توجه به یافته های این مقاله، پیشنهاد می شود پژوهش های آتی در چند محور اصلی متمرکز شوند:

۱. گسترش مطالعات تطبیقی به دیگر کشورهای عربی خلیج فارس: پژوهش حاضر بر رابطه ایران و عربستان متمرکز بود، اما برای دستیابی به یک درک جامع تر از جایگاه دیپلماسی پلیسی در منطقه، لازم است مطالعات مشابهی درباره ظرفیت ها و

موانع همکاری پلیسی ایران با امارات متحده عربی، قطر و عمان نیز انجام شود. چنین رویکردی امکان مقایسه الگوهای متفاوت تعامل امنیتی و شناسایی متغیرهای تسهیل گر یا بازدارنده همکاری را فراهم می‌سازد.

۲. مطالعه موردی سازوکارهای عملیاتی همکاری پلیسی: پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، به جای تمرکز صرف بر سطح مفهومی و تحلیلی، سازوکارهای مشخص همکاری پلیسی از جمله تبادل اطلاعات جنایی، استرداد مجرمان، معاضدت قضایی، همکاری در مبارزه با جرائم سایبری، و مقابله با پول شویی و تأمین مالی تروریسم به صورت موردی و تخصصی بررسی شوند. این امر می‌تواند به ارائه الگوهای اجرایی ملموس تر برای سیاست گذاران کمک کند.

۳. بررسی ابعاد حقوقی و نهادی دیپلماسی پلیسی: یکی از خلأهای مهم در ادبیات موجود، فقدان تحلیل منسجم از مبانی حقوقی همکاری پلیسی در روابط ایران و کشورهای عربی منطقه است. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی تطبیقی اسناد حقوقی دوجانبه و چندجانبه، ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای، و امکان طراحی موافقت‌نامه‌های تخصصی امنیتی- انتظامی میان ایران و عربستان بپردازند.

در نهایت، باید تأکید کرد که موفقیت این راهکارها در گرو آن است که همکاری پلیسی نه به عنوان امتداد صرف منازعات سیاسی، بلکه به عنوان یک حوزه تخصصی با منافع مشترک و کارکردهای پیشگیرانه و حمایتی درک شود. هرچه ایران و عربستان بتوانند همکاری انتظامی را بر حوزه‌های فنی، انسانی و کم‌تنش متمرکز کنند، احتمال نهادینه‌سازی تدریجی و پایدار آن افزایش خواهد یافت. از این منظر، دیپلماسی پلیسی می‌تواند نه تنها ابزاری برای مقابله با تهدیدهای فراملی، بلکه سازوکاری برای کاهش تنش و تقویت حداقلی از اعتماد در روابط دو کشور نیز باشد.

## منابع :

1. Boister, N. (۲۰۲۱). An introduction to transnational criminal law (۲nd ed.). Oxford University Press .
2. Bowling, B., & Sheptycki, J. W. E. (۲۰۲۲). Global policing and transnational law enforcement: Contemporary perspectives on power, security and governance. Sage .
3. Buzan, B., & Wæver, O. (۲۰۲۳). Regions and powers in the twenty-first century: Security dynamics in a changing world. Cambridge University Press .

۴. Europol. (۲۰۲۳). European Union serious and organised crime threat assessment ۲۰۲۳. European Union Agency for Law Enforcement Cooperation. <https://www.europol.europa.eu>
۵. FATF. (۲۰۲۴). Annual report ۲۰۲۳-۲۰۲۴. Financial Action Task Force .
۶. GCCPOL. (۲۰۲۳). Annual report on Gulf police cooperation and regional security coordination. Gulf Cooperation Council Police .
۷. Gregory, F. (۲۰۲۱). Policing and international security cooperation. Routledge .
۸. IMF. (۲۰۲۳). Enhancing AML/CFT frameworks in the Middle East and North Africa. International Monetary Fund .
۹. INTERPOL. (۲۰۲۴). Cybercrime trends and capacity-building priorities. International Criminal Police Organization .
۱۰. INTERPOL. (۲۰۲۴). International police cooperation in countering transnational crime. INTERPOL Publications .
۱۱. INTERPOL. (۲۰۲۴). \*International cooperation against transnational crime: Operational frameworks and policing tools\*. International Criminal Police Organization. <https://www.interpol.int>
۱۲. INTERPOL. (۲۰۲۴). International cooperation against transnational crime: Operational frameworks and policing tools. International Criminal Police Organization. <https://www.interpol.int>
۱۳. International Crisis Group. (۲۰۲۳). The China-brokered Saudi-Iran rapprochement: Regional implications and strategic limits. <https://www.crisisgroup.org>
۱۴. Jones, C. (۲۰۲۳). Saudi-Iranian rapprochement and regional security dynamics. Middle East Policy, ۳۰(۲), ۸۸-۱۰۴ .
۱۵. Katzman, K. (۲۰۲۴). Gulf security and regional diplomacy. Congressional Research Service .
۱۶. Katzman, K. (۲۰۲۴). Iran-Saudi relations after normalization: Security, diplomacy, and regional order .
۱۷. Krieg, A., & Al Eryani, A. (۲۰۲۳). The geopolitics of de-escalation in the Gulf: Saudi-Iranian rapprochement and regional security. Contemporary Security Policy, ۴۴(۴), ۵۱۲-۵۳۱ .
۱۸. Malmvig, H., Valbjørn, M., & Bank, A. (۲۰۲۱). Rivalry and order in the Gulf region: Domestic, regional and international dimensions. Mediterranean Politics, ۲۶(۵), ۵۸۳-۶۰۲ .
۱۹. Murray, S. (۲۰۲۲). Technical diplomacy and transgovernmental security networks in the twenty-first century. International Journal of Diplomacy and Economy, ۱(۱), ۴۱-۶۳ .
۲۰. Shelley, L. I. (۲۰۲۱). Transnational crime and security governance in the Middle East.
۲۱. Ulrichsen, K. C. (۲۰۲۳). Gulf security after the Saudi-Iran agreement: Prospects and constraints. Rice University Baker Institute for Public Policy .
۲۲. UN Security Council. (۲۰۲۲). Counter-terrorism cooperation and international security. United Nations .

۲۳. UNODC. (۲۰۲۳). Global report on trafficking in persons ۲۰۲۲/۲۰۲۳ update. United Nations Office on Drugs and Crime .
۲۴. UNODC. (۲۰۲۴). Transnational organized crime in the Gulf region. United Nations Office on Drugs and Crime .
۲۵. UNODC. (۲۰۲۴). World drug report ۲۰۲۴. United Nations Office on Drugs and Crime. <https://www.unodc.org>
۲۶. Wehrey, F. (۲۰۲۲). The Gulf's fragile peace: Rivalries, de-escalation, and the limits of regional accommodation. Carnegie Endowment for International Peace .